

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا خسروی

در آگهی شماره ۱:

الف - شیوه نگارشی این عبارتها «بموجب، بعلت، یکماه میباید، باتهام و آئین، لحاظ پیوسته نویسی و آوردن همزه در واژه فارسی غلط است.

ب- ذکر تبعه ایران در آراء و آگهیها با وصف این که ۹۹ درصد اشخاصی که وارد سیستم کیفری می شوند ایرانی هستند به کلی بی مورد می نماید بویژه، نامی که در آگهی ذکر شده نمی تواند به ضرر خارجی وابسته باشد.

ج- آوردن صفت غیر قانونی برای خرید و فروش یکسره بی مورد است چرا که خرید و فروش کوپن بر قانونی و غیر قانونی تقسیم نشده است وانگهی اگر عمل احضار شونده قانونی بوده باشد موجبی برای احضار او وجود نخواهد داشت.

د- به نظر می رسد که ذکر ماده مستند برای آگهی و قید یک نوبت، در آگهی که بیشتر طریقت قضایی و آئینی دارد زاید باشد همچنین است قید «جراید کثیر الانتشار» که ربطی بر متهم ندارد وانگهی ماده قانونی فرقی بین روزنامه محلی و کثیر الانتشار قایل نشده است.

ه- این که در آگهی می نویسد طرف یک ماه حاضر شود بیشتر مسامحه در تعبیر است تا تعیین تکلیف برای متهم یعنی تا آنجا که به متهم ارتباط دارد او با ایراد آگهی باید خود را به مرجع قضایی معرفی کند چه یک ماه بعد از آگهی و چه بیشتر از یک ماه اما در این میان قانونگذار برای رعایت جانب احضار شونده قدغن کرده است که وقت دادرسی در فاصله کمتر از یک ماه تعیین شود حال اگر دادگاهی ششماه پس از نشر آگهی وقت دادرسی بگذارد نه تنها خلافی مرتکب نشده است که مستحسن هم هست با این وصف آیا متهم حتماً باید طرف یک ماه خود را معرفی کند؟ چرا؟ و - عبارت جهت تحقیق و دفاع حاضر شود، لف و نشر ناتمامی است که مخل فصاحت به حساب می آید زیرا تحقیق به بازپرسی برمی گردد و دفاع به متهم پس نمی تواند هر دو به متهم برگردد اگر در آگهی به جای جمله بلند «جهت تحقیق و دفاع از اتهام انتسابی به خود» عبارت کوتاه «برای دفاع از اتهام» آورده می شد

۳- آگهی احضار متهم

بدینوسیله طبق ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری بمتهم مجهول المکان آقای ... فرزند ... که باتهام رباخواری و خیانت در امانت در پرونده کلاسه ... شعبه ... دادسرای عمومی ... تحت تعقیب می باشد مراتب طی یک نوبت در یک از جراید کثیر الانتشار بوی ابلاغ می گردد تا در وقت رسیدگی که برای روز یکشنبه مورخ ۸۳/۱۱/۹ ساعت ۱۰/۳۰ تعیین گردیده در این دادسرا حضور یافته و از خود دفاع نماید و در صورت عدم حضور یا عدم ارسال لایحه دفاعیه و یا عدم معرفی وکیل، دادسرا در حقوق الناس و حقوق عمومی به صورت غیابی اقدام به رسیدگی تحقیقاتی نموده و رأی مقتضی صادر بدیهی است تاریخ انتشار آگهی تا موعد مقرر کمتر از یک ماه نباشد. م الف/ ۹۷۱۴۲

دادیار ...

۴- آگهی احضار متهم به جلسه رسیدگی

به موجب پرونده کلاسه ... آقای ... باتهام نگهداری و پراندن کیوتر تحت تعقیب کیفری ایندادگاه قرارگفته و بدلیل عدم دسترسی به ایشان وقت رسیدگی برای ساعت ۹/۳۰ مورخ ۸۴/۲/۲۴ تعیین و به تجویز ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای یکنوبت آگهی می گردد تا در موعد مقرر جهت رسیدگی باتهام خویش در دادگاه حضور یابند بدیهی است در صورت عدم حضور غیاباً رسیدگی خواهد شد. م الف/ ۱۰۴۶۴

مدیر دفتر ...

ملاحظه می فرمائید که در یک روزنامه چهار آگهی احضار متهم چاپ شده است آن هم از جانب سه مقام قضایی در سمتهای گوناگون یعنی دادیار، بازپرس و دادگاه و در واقع طبقات قضایی احضار کننده اشخاص همینها هستند اما ضمن این که هیچ کدام از آگهیها شباهتی به آن دیگران ندارد بر تمام این چهار فقره آگهی ایرادهایی وارد است که از جنبه نگارشی و حقوقی سراوار چشم پوشی نیست.

نمبر آن بود که در هر شماره این مجله یکی از آرای محاکم را (چه تالی و چه عالی) مورد بررسی قرار دهیم که تا کنون به همین گونه کار را دنبال کرده ایم اما ز آن جا که فرهنگ مکتب قضایی تنها در رأی قرار خلاصه نمی شود و بسیاری از نوشته ها در حاشیه کار به نگارشی در می آید که نمی باید از نگاه نقد دور بماند مانند آگهی های احضار و ابلاغ که با امضای قاضی پراکنده می شود و بیشتر البته مجال انتشار در جرید را هم پیدا می کنند.

در این شماره چهار فقره آگهی احضار را که در کنار هم و در یکی از روزنامه ها چاپ شده اند بازنویسی می کنیم و سپس به نقد نگارشی آنها خواهیم پرداخت:

۱- آگهی احضار متهم

به موجب پرونده کلاسه ... در شعبه ... بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ... آقای ... تبعه ایران باتهام خرید و فروش غیر قانونی کوپنهای کالاهای اساس تحت تعقیب کیفری میباشد که بعلت مجهول المکان بودن متهم طبق ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می شود که نامبرده طرف یکماه از تاریخ انتشار آگهی در این بازرسی / جهت تحقیق و دفاع از اتهام انتسابی به خود حاضر شود در صورت عدم حضور اتخاذ تصمیم خواهد شد. م الف/ ۱۰۴۶۷

بازپرس ...

۲- آگهی احضار و ابلاغ

در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و آئین نامه مربوط به آقای ... فرزند ... فعلاً مجهول المکان ابلاغ میگردد که پرونده بکلاسه ... باتهام خیانت در امانت تشکیل شده ظرف مدت یکماه از تاریخ انتشار آگهی در این شعبه ۶ دادیاری حاضر و از خود دفاع نماید والا عدم حضور موجب اتخاذ تصمیم قانونی خواهد گردید. م الف/ ۱۰۴۶۹

دادیار ...

بسیار بهتر می بود

ز- عبارت : « در صورت عدم حضور اتخاذ تصمیم خواهد شد » به جای تصمیم اتخاذ خواهد شد غلط است .

در آگهی شماره ۲ نیز تقریباً همان ایرادهای یاد شده در آگهی قبلی وجود دارد جز آن که چند نکته بر سر می دارد :

الف - ذکر این که « در این شعبه ۶ دادیاری متضمن حشو است چه یا باید نوشت در این شعبه یا باید نوشت در شعبه ۶ . . . »

ب- دفاع نمودن غلط است ، درست آن دفاع کردن است و اضافه می نماید آمیختن وظائف مستندات نمودن و کردن از فرط رواج موهوم درستی استعمال شده است اما فرهیختگان نمی باید که در چرخه کثرت استعمال جانب فصاحت را بگذرانند .

ج - عبارت « والا عدم حضور » با همین غلظت و غرابت به جای عبارت ساده « اگر نه » بسیار جا می نماید .

در آگهی شماره ۳ نیز همان ایرادهای پیش گفته وجود دارد و علاوه بر آنها : الف در نگارش واژه ها و ترکیبهای « بدینوسیله ، بمتهم ، بانها ، میباشد ، بسوی ، میگردد » به لحاظ پیوسته نویسی مرتکب اشتباه شده است . ب- تکرار واژه ناسره عدم در

ترکیبهای عدم حضور عدم ارسال و عدم معرفی بسیار دل آزار شده است و ای کاش می شد عدم را از نگارش فارسی یکسره برداشت . ج - عبارت « رأی مقتضی صادر » ابتر و ناتمام رها شده است و در بقیه جمله نیز فعلی که به دلالت فعل مخذوف را جبران کند وجود ندارد . د- قید عبارت « تاریخ انتشار آگهی تا موعد مقرر کمتر از یک ماه نباشد » که عبارتی ارشادی برای قاضی است ، در آگهی احضار کودکانه و عوامانه می نماید . ه- عبارت « رسیدگی تحقیقاتی » وجاهت ادبی و حتی قانونی ندارد این عبارت می تواند جوازی باشد برای ترکیبهای دیگری مثل « رسیدگی تعقیباتی » و « رسیدگی تعیین مجازاتی ! » - صدور رأی در شأن دادگاه است و به طور سنتی منصرف از اعم بودن رأی آن چه به دادیار و باز پرس نسبت داده می شود قرار است . پس قید « رأی مقتضی . . . » می بایست به « قرار . . . » جای می سپرد .

در آگهی شماره ۴ که از سوی دادگاه عمومی منتشر شده است همان ایرادها دیده می شود و این چند نکته را هم بر سری دارد .

الف - در عبارت « بدلیل دسترسی به ایشان وقت رسیدگی تعیین . . . » چند ایراد وجود دارد ، نخست این که تعیین وقت دادرسی نمی تواند دلیلی به عنوان عدم دسترسی به متهم داشته باشد چرا که در فرض

دسترسی به متهم نیز دادگاه وقت دادرسی را تعیین می کرد . دو دیگر آن که استفاده از واژه ایشان برای متهم واحد درست نیست و به دلیل آن که ضمیر راجع به فرد او است نه ایشان و از طرفی رعایت احترام به فرد و آوردن ضمیر جمع برای او در متن رسمی جایی ندارد و سرانجام ایرادهای نگارشی هم در این عبارت هست که واضح است . ب- اگر به جای واژه « مورخ » از واژه « روز » استفاده می شد البته عبارت هم زیبا و هم فارسی می شد اما در حکمه مورخ یا مورخه حرفهای بسیاری وجود دارد که حتی درستی کاربرد آن را مورد تردید قرار می دهد . ج - عبارت محترمانه « حضور یابند » به جای حاضر شود جایی در متن رسمی و جدی ندارد به دلیل آن چه در بالا یادآوری شد .

د- و ایراد اصلی بر آگهی دادگاه عمومی آن است که آگهی را به جای رئیس یا دادرس دادگاه مدیر دفتر امضاء کرده است و نیاز بر توضیح نیست که مدیر دفتر هیچ نقشی در احضار اشخاص ندارد ، اما دادگاهها و صاحب منصبان دادسرا به هردلیلی این نکته را از یاد می برند و جالب آن که چندی پیش در جریان یک باصطلاح جرم مطبوعاتی برای صاحب این قلم اختطاریه ای تنظیم و فرستاده شده بود که در آن نتیجه عدم حضور ، جلب قید شده بود و کسی که اختطاریه را امضاء کرده بود ، منشی دادگاه بود و نه قاضی دادگاه!

نقدی بر نقد استاد

به کلمه ای دیگر تبدیل شود مثل اینکه بنویسم « بلندترین و عالی ترین مراتب قضایی کشور و یا بلندترین مراتب قضایی کشور . . . »

چهارم اینکه : فعل « به شمار است » غلط است و « به شمار می رود » صحیح است و باید گفت از مراتب قضایی کشور به شمار می رود .

با این حساب جمله بالا اینطور تصحیح می شود : دیوان عالی کشور بویژه هیأت عمومی آن از عالی ترین سلسله مراتب قضایی کشور به شمار می رود یا « از عالی ترین سلسله مراتب قضایی کشور است . . . »

۳- در جمله . . . « یا بواقع چنان است که باید انتظار آن را داشت . . . » در این جمله « بواقع » نباید سرهم نوشته شود و باید نوشت « به واقع » و همچنین جمله « باید انتظار آن را داشت » باید نوشته شود « باید آن را انتظار داشت » چرا که « انتظار داشتن » فعلی است مرکب و نباید میان دو کلمه « انتظار » و « داشتن » فاصله افتد .

۴- پیش از آنی که به این پرسش پاسخی داده باشم رأی . . . را با هم نگاه خواهیم کرد .

در این جمله کلمه (آئی) غلط است و باید نوشت « پیش از آن که » چرا که کلمه (آئی) به معنای فوری است و (آن) نیز اسم اشاره است .

- « پاسخی داده باشم » بهتر است نوشته شود «

پاسخی بدهم یا بدهیم » چرا که استفاده از فعل مجهول در این اینجا غلط است و باید فعل معلوم بکار رود و باید نوشت « پاسخی بدهیم . . . »

- در پایان این جمله ، نویسنده محترم نوشته است که « رأی را با هم نگاه خواهیم کرد » که بهتر است نوشته شود « با هم نگاه می کنیم یا مرور می کنیم » چرا که فعل « نگاه خواهیم کرد » برای آینده دور بکار می رود . نه اینکه آنچه چیزی را که همین الان می نگریم به آینده دور نسبت دهیم .

باتوجه به مطالب بالا بهتر است جمله به این صورت تصحیح شود :

پیش از آنکه به این پرسش پاسخ دهیم رأی شماره . . . این هیئت را مرور می کنیم . . .

- در قسمتی دیگر از متن نویسنده آمده است . . . « نظمی استوار بر آن حاکم باشد و در مجموع اثری به حساب آید درخشان و ذخیره کننده و رشک انگیز . . . »

در این جمله بهتر است نوشته شود « نظمی استوار بر آن حاکم باشد و در مجموع اثری درخشان و ذخیره کننده و رشک برانگیز به حساب آید . . . » چرا که اولاً : رشک انگیز غلط است و رشک برانگیز صحیح است . دوم : اینکه بهتر است جمله با فعل تمام شود .

یکی از خوانندگان

پس از مطالعه و بررسی چند شماره از (نقد نگارشی یک رأی) به عنوان یک خواننده لازم دانستم بر نقد نویسنده ادیب و خوش ذوق که به نگارش صحیح آراء محاکم همت گماشته و همواره به تصحیح غلطهای نگارشی پرداخته است ؛ متواضعانه نقدی را وارد کنم . این نقد مربوط به نقد نگارشی یک رأی در شماره ۲۹ می باشد که به ترتیب غلطهای آن به شرح زیر تصحیح می شود :

۱- علی القاعده — این کلمه مرکب که عربی است بهتر است در جملات فارسی « بطور معمول » استفاده شود و این در حالی است که نویسنده و استاد ارجمند همواره از بکار بردن کلمات عربی در متون فارسی بر حذر می دارند .

۲- در جمله دیگر آمده است : « دیوان کشور و بویژه انجمن عمومی آن از بلندترین چکادهای سلسله مراتب قضایی کشور به شمار است . . . » در این جمله چند غلط به نظر می رسد . نخست آنکه : دیوان کشور صحیح نیست بلکه دیوان عالی کشور صحیح است .

دوم اینکه : در این دیوان انجمنی بنام انجمن عمومی وجود ندارد بلکه هیئت عمومی وجود دارد . سوم اینکه : کلمه « چکاد » برای خوانندگان خیلی مفهوم و آشنا نیست و بهتر است حذف و یا